

## نمایش شخصیت‌های قدرتمند در زمینه‌ای مبهم

بسیاری بر این عقیده اند که «قلاده‌های طلا» در سینمای این سال‌ها، فیلمی ارزشمند و تکرارنشده است...



درباره #171; قلاده‌های طلا»

نمایش شخصیت‌های قدرتمند در زمینه‌ای مبهم

جام جم آنلاین: بسیاری بر این عقیده اند که #171; قلاده‌های طلا» در سینمای این سال‌ها، فیلمی ارزشمند و تکرارنشده است؛ آنچنان که ابوالقاسم طالبی برنده سیمرغ بهترین فیلم جشنواره شد و قلاده‌های طلای او را ستودند. برخی دیگر، پس از نمونه‌های ضعیف و پیش‌پاافتاده‌ای مثل #171; پایان‌نامه» گفتند فیلم طالبی نقطه عطفی در احیای سینمای سیاسی ایران است. در آخرین روزهای پیش از شروع جشنواره، صحبت از توقیف این فیلم بود اما اندکی بعد، سیل جوایز و ستایش‌ها و قدردانی‌ها بود که نثار ابوالقاسم طالبی و فیلمش شد و تقریباً کسی تردیدی نداشت که مهم‌ترین گزینه اکران نوروز نیز همین فیلم است.

اما قلاده‌های طلا به عنوان یک فیلم چگونه از کار درآمده است؟ صرف‌نظر از نام سازنده و حاشیه‌های بسیاری که ایجاد کرد، آیا فیلم خوبی است؟ این سوال را در چند بخش جداگانه بررسی می‌کنیم.

بحث‌های فراوانی به بهانه قلاده‌های طلا درباره ژانر سیاسی به وجود آمد، در حالی که چنین ژانری در سینما وجود ندارد.

فیلم‌های سیاسی آنهایی هستند که به سیاست می‌پردازند، به همین راحتی مثل فیلم‌های دهه شصتی کنستانتین کوستا گاوراس یا فیلم‌های کنونی مایکل مور یا بعضی فیلم‌های جان فرانکن هایمر.

اشکال کار در وهله اول این است که می‌گویند قلاده‌های طلا در ژانر خودش (سیاسی) فیلم نوآورانه یا به قول فریدون جیرانی خوش ساخت است.

اشکال دوم اما اساسی‌تر است؛ زمانی که فیلمنامه‌ای نوشته می‌شود، چه اگر مبنای آن یک رویداد واقعی باشد یا برخاسته از قوه تخیل سازنده‌اش، در هر دو حالت یک اثر نمایشی است.

وقتی محمدرضا شریفی‌نیا با آن جثه و هیبت به عنوان یک مامور ستادی وزارت اطلاعات شخصیت‌پردازی می‌شود، پس مشخص است ابوالقاسم طالبی در درجه اول به ساختن یک فیلم سینمایی سرگرم‌کننده برای مردم فکر می‌کرده و سپس در صدد روشن کردن برخی ابهامات درباره انتخابات ریاست جمهوری سال 88 و فتنه پس از آن بوده است.

اگر مثلاً ساختار نمایشی و کیفیت فیلم #171; زد» یا #171; نبرد الجزیره» (به ترتیب ساخته‌های کوستا گاوراس و جیل پونته کورو) در حد آثار ارزشمند و تاثیرگذار نبود، آن وقت کسی درباره‌شان بحثی نداشت و البته در خاطره‌ها نمی‌ماند که امروزه هم پس از دهه‌ها تا صحبت از سینمای سیاسی می‌شود نام این آثار به میان آید.

پس یک اثر در درجه اول باید جنبه‌های استاندارد سینمایی داشته باشد تا مورد بحث قرار گیرد وگرنه چه بسا حرف و مضمون پایان‌نامه هم درست، اصولی و قابل بررسی باشد، اما چون ناشیانه ساخته شده بود، کسی به لایه‌های مضمونی‌اش توجهی نکرد و اثر ماندگاری نشد.

طالبی در گفت‌وگوهای خود، دائم از اسناد و مدارکی که به دست آورده و تحقیقات فراوانش برای رسیدن به حقایق درباره ماجراهای پس از انتخابات سخن گفت.

اینها نشان دهنده هوش و درایت اوست برای خلق یک اثر کامل که از این حیث آتو دست مخالفانش ندهد. اما آیا این، همه آن چیزی است که یک فیلم سیاسی را ارزش و اعتبار می‌بخشد؟ پاسخ منفی است، زیرا اگر بنا بود قلاده‌های طلا یک شهادتنامه تصویری باشد در نمایش حقایق و از بین بردن برخی ابهامات، آن وقت سازنده‌اش می‌بایست فیلمی مستند می‌ساخت درست مثل مستندهای سیاسی مایکل مور.

اما باید بپذیریم قلاده‌های طلا یک اثر سینمایی است با حضور بازیگرانی که متن فیلمنامه را در چارچوب یک قصه اجرا و بازی می‌کنند.

پس اگر فیلم طالبی یکی از آثار خوب جشنواره گذشته بوده، این را باید ابتدا پای کارگردان بودن او گذاشت که الگوها و کلیشه‌های سینمایی سیاسی را شناخته و در قالب یک اثر قصه‌گو و پرتعلیق سعی کرده فیلمی استاندارد بسازد و سپس مابه‌ازاهای واقع‌نمای فیلمش در بازسازی برخی حوادث اجتماعی و سیاسی می‌خواهد برطرف‌کننده بسیاری از شبهه‌ها باشد.

در یک فیلم سیاسی مانند هر فیلم دیگر باید به دو وجه مهم توجه کرد؛ فیلمنامه و اجرا. ابتدا درباره اجرا صحبت می‌کنیم و سپس به فیلمنامه قلاده‌های طلا می‌پردازیم.

عوامل تعیین‌کننده در اجرای فیلم‌های سیاسی، یکی رعایت تعلیق در کارگردانی است (علاوه بر فیلمنامه) و دیگری رعایت استانداردهای سینمایی اکشن. اکشن در این فیلم‌ها مکمل التهاب درونی است.

خیلی وقت‌ها اکشن بودن فیلم بر خلاف تصور همه، ربطی به صحنه‌های زد و خورد ندارد، بلکه در اینجا اکشن یعنی ضرباهنگ حوادث؛ مثلاً کشمکش شخصیت‌ها برای خنثی کردن یک توطئه در زمانی محدود.

مثل مأموریت امین حیایی در مترو و سطح شهر و شریفی‌نیا در تعقیب و... از نمونه‌های خوب فرنگی‌اش می‌شود به سکانس دلهره‌آور و پرتعلیق مترو در فیلم اسکارگرفته &#171؛ارتباط فرانسوی» با بازی جین هاکمن اشاره کرد.

قلاده‌های طلا به لحاظ رعایت این موارد، فیلم نسبتاً موفقی است و با توجه به اطلاعات تماشاگران از موضوع فیلم، تاثیر این کشمکش‌های دراماتیک بیشتر می‌شود.

با توجه به مثالی که زده شد، مشخص می‌گردد خیلی مواقع اکشن و تعلیق به مفهومی واحد تبدیل می‌شوند و مکمل یکدیگر عمل می‌کنند؛ به طوری که هر چقدر اکشن فیلم درست طراحی و اجرا شده باشد، تعلیق هم اثرگذارتر خواهد بود و بالعکس.

اما نقطه ضعف اصلی قلاده‌های طلا در فیلمنامه آن است. دو اشکال بزرگ فیلمنامه‌ای، یکی طولانی بودن زمان آن است (که در دقایقی تماشاگر را خسته می‌کند) و دیگری گنگ بودن پاره‌ای اتفاقات و گره‌افکنی‌ها.

در مورد نخست، تنها نکته‌ای که می‌توان گفت، عدم محاسبه دقیق زمان فیلمنامه بوده که این اطباب را به دنبال داشته است. یک منشی صحنه کارآزموده با خواندن یک فیلمنامه باید دقیقاً زمان فیلم را تشخیص بدهد.

فیلمنامه قلاده‌های طلا پر از موقعیت و اتفاق و شخصیت است. کارگردان ترجیح داده به همه این حوادث و اتفاقات بپردازد و به این ترتیب زمان فیلمش طولانی شده و ضرباهنگ فیلمش در دقایق میانی و بخصوص نیمه دوم می‌افتد.

اگر این فیلمنامه توسط یک فیلمنامه‌نویس باتجربه بازنویسی می‌شد، مطمئناً فصل‌هایی از آن که تاثیر چندانی در کلیت ماجرا ندارد، حذف می‌شد و به این ترتیب فیلم دیدنی‌تر از کار درمی‌آمد. گفتنی است این نارسایی و اشکال در تدوین هم خودش را نشان می‌دهد و بخش‌های غیرلازم فیلم کوتاه نشده است.

درباره گنگ بودن برخی ماجراها اما باید توضیح بیشتری داد. گفتیم حوادث پس از انتخابات چیزی نیست که تماشاگران قلاده‌های طلا چیزی درباره‌اش ندانند و موضوعی تا به این حد مهم، برایشان ناآشنا باشد اما کارگردان فیلم، سعی در افشای حقایق دارد که این حقایق پشت پرده ربط چندانی به آگاهی عمومی ندارد.

طالبی براساس تحقیقات مفصل و دامنه‌دارش می‌خواهد حرف‌هایی ناگفته درباره حوادث پس از انتخابات بزند بنابراین ماجراهای انتخابات، رونمای فیلمنامه است و حقایق به دست آمده از تحقیقات، زیربنا.

بخشی که فیلمنامه‌نویس خواسته تا براساس شواهد و پژوهش‌ها، لایه‌های قصه‌اش را عمیق‌تر بکند، متوجه این نبوده که مهم‌ترین عامل در طراحی یک فیلمنامه واقعه‌محور و پرشخصیت و پرتعلیق، در نظر گرفتن جنبه‌های علی معلولی است.

چیزی باید در قالب یک موقعیت اولیه و گره‌افکن کاشته شود تا سپس در موقعیت‌های بعدی درو شود. این اتفاق در قلاده‌های طلا چندان خوب نیفتاده و شاید به همین دلیل است که تماشاگران هنگام مشاهده گره‌گشایی نهایی فیلم و فهمیدن این نکته که قضایا از کجا آب می‌خورده، واکنشی هیجانی از خود نشان نمی‌دهند.

قلاده‌هاي طلا تلاشي است در حد امكانات و مقدرات سينماي ايران، در جهت معرفي نوعي از فيلم كه كارگردان‌ها تمايل زيادي به آن نشان نمي‌دهد.

اميد است اين نوع فيلم‌ها در بستري طبيعي رشد كنند و مخاطب خود را بيابند تا سينماي ايران از دايره محدود چند گونه سينمايي پا را فراتر نهاده و فراگيرتر شود.

ليلا خراط